

## تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی<sup>۱</sup>

دکتر محمد مهدی عسگری\*  
ابوالقاسم توحیدی نیا\*\*

### چکیده

در این مقاله مفاهیم سرمایه اجتماعی، سرمایه معنوی و مذهبی، اجزا و نوع رابطه بین آنها تبیین و سپس تأثیر سرمایه اجتماعی (و معنوی و مذهبی) بر رشد و توسعه اقتصادی بررسی و مهمترین سازوکارهای این اثربخشی توضیح داده شده است. از جمله این سازوکارها کاهش نابرابری و فقر، افزایش کارایی بازار، ایجاد رشد اقتصادی، کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی سایر سرمایه‌ها، ایجاد نهادها و سازمانهای اقتصادی و بهبود عملکرد آنها، توسعه بازارهای مالی و افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال، افزایش معاملات، افزایش نوآوری و فنآوری می‌باشند.

### واژگان کلیدی:

سرمایه اجتماعی، سرمایه معنوی، سرمایه مذهبی و رشد و توسعه اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: R11، O40، Z13

۱- تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۲۰؛ تاریخ تأیید: ۸۶/۱۰/۱۳.

\* . عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)؛ m.mahdi.askari@gmail.com

\*\* . دانشجوی دکترای علوم اقتصادی، دانشگاه امام صادق (ع)؛ atohidinia@yahoo.com

## مقدمه

در سالهای اخیر در مورد ارتباط و نقش «سرمایه اجتماعی»<sup>۱</sup> در رشد و توسعه اقتصادی مطالب بسیاری مطرح شده است. «فوکویاما»<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) معتقد است اندیشمندان بسیاری سرمایه اجتماعی را به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرند. وی منشأ پیدایش نظریه‌های مربوط به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی می‌داند و معتقد است که یک تفکر مجدد اما اساسی در مورد مسئله توسعه در این تاریخ شکل گرفت که شامل درک جدیدی نسبت به اهمیت مشارکت عوامل فرهنگی بود و سرمایه اجتماعی ابزاری است که درک نقش این عوامل ارزشی و هنجارها را در زندگی اقتصادی فراهم می‌کند. «کالویس و آنجئون»<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) نیز معتقدند یکی از عواملی که سبب تحقیق در مورد عوامل غیراقتصادی توسعه شد مشاهده این تناقض بود که با وجود انباشت یکسان سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و طبیعی در مناطق مختلف، سطوح متفاوتی از توسعه پایدار پدیدار شد و بنابراین نقش آن عوامل را ارتقاء بخشیدند. «چوپرا»<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) معتقد است سرمایه اجتماعی یک بعد تازه را به گفتمان توسعه اضافه کرده است و مدنظر قراردادن تراکم نهادهای رسمی و غیررسمی به عنوان سرمایه اجتماعی برای تحقق توسعه، پیوند بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را رسمیت بخشیده است.

در این مقاله در مورد ارتباط سطح سرمایه اجتماعی (و معنوی و مذهبی) یک جامعه و میزان رشد و توسعه اقتصادی آن بحث می‌شود. اهمیت این بحث زمانی دوچندان می‌شود که با توجه به سابقه تمدنی و مذهبی کشور ایران، به‌رغم کمبود سرمایه فیزیکی از سطح قابل توجه انباشت سرمایه اجتماعی برخوردار است و بنابراین می‌توان با کسب شناخت بیشتر از نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی از پتانسیل موجود بهره‌برداری و با سرعت بیشتری به سمت توسعه

1 - Social Capital.

2 - Fukuyama.

3 - Callois and Angeon.

4 - Chopra.

حرکت کرد. اما قبل از شروع بحث لازم است به طور خلاصه سرمایه اجتماعی (و معنوی و مذهبی) تعریف و اجزای آن مشخص شود.

### ۱. مفهوم سرمایه اجتماعی و اجزای آن

در مورد سرمایه اجتماعی تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- بانک جهانی (۲۰۰۰): سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از نهادها، روابط و هنجارهاست که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهد.

- «بیکر» سرمایه اجتماعی منابع قابل دسترس درون و در بین شبکه‌های شخصی و تجاری است و شامل اطلاعات، ایده‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های تجاری، سرمایه مالی، قدرت و تأثیرگذاری، حمایت عاطفی، اعتماد و تعارف و همکاری می‌باشد. کلمه «اجتماعی» بر این نکته تأکید می‌کند که این منابع دارایی‌های شخصی نیستند و یک شخص به تنهایی مالک آنها نیست. این منابع درون شبکه‌های ارتباطات قرار دارند. دسترسی به سرمایه اجتماعی به اندازه، کیفیت و تنوع شبکه‌های شخصی و تجاری بستگی دارد. کلمه «سرمایه» تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی مانند «سرمایه انسانی» یا «سرمایه مالی» دارای بازده است و به وسیله آن ارزش خلق می‌شود.

در مورد اجزای سرمایه اجتماعی هم اظهارنظرهای متنوعی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- «جیمز کلنن» (۱۹۹۰) مؤلفه‌های ذیل را به عنوان اجزای سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند: الف. تعهدات و انتظارات: اگر فرد A کاری برای فرد B انجام دهد با اطمینان نسبت به اینکه B در آینده آنرا جبران خواهد کرد، این امر انتظاری را در A و تعهدی را برای حفظ اعتماد در B ایجاد خواهد نمود؛

ب. ظرفیت بالقوه اطلاعات: ظرفیت بالقوه اطلاعات شکل مهمی از سرمایه اجتماعی است که جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر روابط اجتماعی است؛

1 - Backer.

2 - James Coleman.

- ج. هنجارها و ضمانتهای اجرایی مؤثر: هنجارهای مؤثر، شکل نیرومند اما گاه شکننده سرمایه اجتماعی را تشکیل است؛
- د. روابط اقتدار: اگر کنشگر A حق کنترل کنشهای معینی را به کنشگر B انتقال دهد، B سرمایه اجتماعی به صورت آن حق کنترل در اختیار خواهد داشت. اگر عدهای کنشگر حقوق کنترل مشابهی را به B انتقال داده باشند، آنگاه B مقدار زیادی سرمایه اجتماعی در اختیار دارد که می تواند بر فعالتهای معینی متمرکز کند. بدیهی است این امر قدرت زیادی به B می دهد؛
- ه. سازمانهای اجتماعی انطباق پذیر؛
- و. سازمانهای تعمدی: مانند سازمانهای سوداگری که صاحبان سرمایه مالی برای کسب درآمد بنا می نهند یا انجمنهای داوطلبانه ای که کالاهای عمومی تولید می کنند که انجمن اولیا و مربیان از آن جمله است. گروه کندی دانشگاه هاروارد هم اجزای سرمایه اجتماعی را این طور برمی شمرد:
- الف. اعتماد: شامل اعتماد اجتماعی درون جامعه و اعتماد میان نژادهای مختلف است؛
- ب. مشارکت و رهبری مدنی: شامل رهبری مدنی در انجمنها و گروهها و مشارکت مدنی در گروههای مذهبی، باشگاههای ورزشی، سازمانهای جوانان و... است؛
- ج. مشارکت سیاسی: شامل مشارکت سیاسی عادی چون رای دادن و مشارکت سیاسی نقادانه چون شرکت در راهپیمایی هاست؛
- د. پیوندهای اجتماعی غیررسمی: مانند تعداد دوستان و میزان معاشرت فرد با آنها؛
- ه. بخشش و روحیه داوطلبی: مانند همکاری افراد با نهادهای خیریه و داوطلبانه؛
- و. مشارکت مذهبی: مانند حضور و فعالیت در امور مساجد، کلیساها و سایر اماکن مذهبی؛
- ز. عدالت در مشارکت مدنی: یعنی میزان تساوی افراد در مشارکتهای اجتماعی و
- ح. تنوع معاشرتها و دوستیها: معاشرت و رفاقت فرد با طبقات مختلف اجتماعی، نژادها، اقوام و مذاهب مختلف.

## ۱-۱. مفهوم سرمایه معنوی و مذهبی و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی

به‌طور کلی سرمایه معنوی عبارت است از هرآنچه که در مورد تعامل اقتصاد و مذهب قابل طرح است (مالوچ، ۱، ۲۰۰۳). «ووس ۲» (۲۰۰۵) نیز بر این باور است که سرمایه معنوی در یک سطح وسیع به آن جنبه‌های سرمایه اجتماعی و انسانی اشاره دارد که با مذهب، معنویت، عرفان و اعتقادات غیرمادی مرتبط است. در همین راستا «برگر و هفنر ۳» سرمایه معنوی را به‌عنوان یک زیر گروه سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند که قدرت، تأثیر، دانش و گرایش‌های خلق‌شده از طریق مشارکت در یک رسم مذهبی را ارائه می‌دهد. افزون بر این، تعاریف چندی هم برای «سرمایه مذهبی ۴» مطرح شده است که یک نمونه آن به این شرح است:

سرمایه مذهبی عبارت است از مهارت‌ها و تجربی که از طریق مذهب شامل دانش مذهبی، آگاهی و شناخت پیدا کردن به‌وسیله کلیسا و ارتباط با هم‌کیشان است، شکل می‌گیرد (فینکه ۵، ۲۰۰۳). بنابراین سرمایه مذهبی به‌لحاظ مفهومی به سرمایه معنوی بسیار نزدیک است، اگرچه برخی تفاوت‌هایی را بین این دو قایل شده‌اند. به‌عنوان مثال «آیاناکونه و کلیک ۶» (۲۰۰۳) معنویت را اعم از مذهب در نظر گرفته‌اند و سرمایه معنوی را شامل سرمایه مذهبی و فعالیت‌های غیرمذهبی اما شرافتمندانه و انسانی بر شمرده‌اند. آنها برای اثبات ادعای خود به یک نظرسنجی استناد کرده‌اند که براساس آن ۹۵ درصد آمریکایی‌ها خود را افرادی معنوی معرفی کرده‌اند؛ اما تنها ۷۵ درصد آنها خود را مذهبی دانسته‌اند.

از نحوه تعریف سرمایه معنوی و مذهبی این‌طور برداشت می‌شود که این نوع سرمایه جزئی از سرمایه اجتماعی است که در گذشته توجه چندانی به آن نشده، اما به‌تازگی در کانون توجهات صاحب‌نظران قرار گرفته است و با توجه به عملکرد مثبت و اهمیت فوق‌العاده آن در حل مسائل اقتصادی، از آن به‌عنوان یک نوع سرمایه جدا و

1 - R. Malloch.

2 - Voas.

3 - Berger, Hefner.

4 - Religious Capital.

5 - Finke.

6 - Iyanaccone, Click.

منفک از سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. اما در حقیقت سرمایه معنوی یکی از مولفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی است. دلیل این ادعا آن است که بسیاری از صاحب‌نظران در مورد نقش اخلاق، مذهب و معنویت در تشکیل و انباشت سرمایه اجتماعی صحبت نموده‌اند و آنرا جزیی از سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند. برای مثال کلمن (۱۹۹۰) معتقد است که ایدئولوژی می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود آورد و این امر در آثاری که ایدئولوژی مذهبی در وادار کردن افراد به توجه به نفع دیگران دارد، آشکار می‌شود.

او همچنین عوامل ساخت سرمایه اجتماعی را به چهار دسته عوامل نهادی، عوامل خودجوش، عوامل بیرونی و عوامل طبیعی تقسیم می‌نماید و منظور از عوامل بیرونی را هنجارهایی می‌داند که از جایی غیر از همان اجتماعی که به‌کار رفته سرچشمه می‌گیرد و عواملی مانند دین و مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ جزء این گروه هستند. از نظر «پوتنام ۱» (۲۰۰۱) و همچنین «گلايسر ۲» (۲۰۰۱) نیز مکانهای عبادت به‌عنوان سازمانهای اجتماعی، شبکه‌ها و تعاملاتی که توسط کلیساها گسترش می‌یابند، به‌عنوان عناصر سرمایه اجتماعی مطرح هستند.

براساس یافته‌های پوتنام (۲۰۰۱) تقریباً نیمی از همه عضویت‌های مشارکت‌جویانه، انسان‌دوستی‌های شخصی و اقدامات داوطلبانه در آمریکا به کلیسا ارتباط دارند. با توجه به اطلاعات و آمار پوتنام، آیناکونه و کلیک (۲۰۰۳) نتیجه می‌گیرند که مهمترین خاستگاه سرمایه اجتماعی در آمریکا اجتماعهای معتقد و با ایمانی هستند که در آنها مردم با هم عبادت می‌کنند (از این اظهارنظر می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به وجود مساجد و تکایای فراوان در ایران و همچنین تقیدات مذهبی ایرانیان این جنبه از سرمایه اجتماعی در ایران بیشتر از ایالات متحده باشد). «اموری» (۱۳۸۲) نیز معتقد است تربیت فرهنگی و مذهبی افراد می‌تواند آنها را به اعتماد متقابل بیشتر که جزئی از سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، تشویق کند. در مورد این موضوع «رنانی»

1 - Putnam.

2 - Glayaser.

(۱۳۸۲) هم بر این نظر است که می‌توان سرمایه اجتماعی را مجموعه قواعد اخلاقی دانست که به‌طور ضمنی رفتار افراد را تشکیل می‌دهد. هرچه ارزشهای دینی، فرهنگی و اخلاقی قوی باشد، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیرتر است. چرا که افراد در چهارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند. بنابراین قابلیت اعتماد افراد بیشتر است و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ همین ایجاد سرمایه اجتماعی بوده است.

بنابراین سرمایه معنوی و مذهبی جزئی از سرمایه اجتماعی و یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن است که به‌دلیل عملکرد مثبت و اهمیت فوق‌العاده‌اش در حل مسائل اقتصادی از آن به‌عنوان یک نوع سرمایه جدا و منفک از سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. بنابراین در مباحث آتی تنها به‌ذکر عنوان «سرمایه اجتماعی» بسنده می‌شود، اما نباید فراموش کرد که همین تحلیلها برای سرمایه معنوی و مذهبی هم کاربرد دارد.

## ۲. تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی

در زمینه تأثیر مثبت و نقش کلیدی سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی تحقیقات و اظهارنظرهای فراوانی از جانب اندیشمندان صورت گرفته است. برای نمونه پوتنام (۱۹۹۳) معتقد است که در ادبیات اقتصادی موجود ایده اساسی این است که جوامعی با سطح سرمایه اجتماعی بالاتر، توسعه اقتصادی سریع‌تری را تجربه می‌کنند. در ارتباط با تحقیقات تجربی تأییدکننده این موضوع نیز برای مثال «نارایان و پریچت» (۱۹۹۷) با انجام یک بررسی در مورد سطح سرمایه اجتماعی جامعه روستایی تانزانیا، به یک ارتباط مثبت بین سرمایه اجتماعی و پیامدهای اقتصادی در سطح روستا پی بردند (از این اظهارنظر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در مناطق روستایی بخشی از کمبود امکانات رفاهی و اقتصادی به‌خاطر وجود سرمایه اجتماعی جبران می‌شود). «فافچامپس و مینتن» (۱۹۹۹) نیز طی تحقیقی با بررسی عوامل موفقیت اقتصادی در تجارت محصولات کشاورزی در ماداگاسکار نتیجه گرفتند که

1 - Narayan, Pritchett.

2 - Fafchamps, Minten.

آنهایی که دارای سرمایه اجتماعی به صورت ارتباط با دیگران بیشتری بودند، در این زمینه موفق تر عمل کرده اند (کیلیپاتریک، ۱، ۲۰۰۲). مثال دیگری در این زمینه مربوط می شود به طرح خانه سازی که در شهری در شرق آمریکا اجرا شد که در آن، مسایل و مشکلات فیزیکی بسیاری به علت ساخت و ساز ناقص و ضعیف مانند لوله کشی نامناسب وجود داشت و لذا ساکنان برای رویارویی با سازندگان سازمان یافتند. بعدها هنگامی که این مسایل حل شد، سازمان ساکنان همچنان فعال باقی ماند و سرمایه اجتماعی موجود را تشکیل داد؛ به گونه ای که کیفیت زندگی در این طرح را بهبود بخشید (کلمن، ۱۳۷۷).

با وجود اظهارنظرهای فراوانی که در مورد رابطه سازنده سرمایه اجتماعی در تحقق رشد و توسعه اجتماعی وجود دارد، اما در مورد سازوکار تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی دیدگاه های بسیار متنوعی وجود دارد که مهمترین آنها به شرح ذیل است:

### ۱-۲. سرمایه اجتماعی و کاهش نابرابری و فقر

یکی از آثار مهم سرمایه اجتماعی کاهش نابرابری و فقر در سطح جامعه است که مورد توجه اندیشمندان بسیاری قرار گرفته است. «کناک» (۱۹۹۹) معتقد است که سرمایه اجتماعی نرخ فقر را کاهش می دهد و عدم تساوی در درآمدها را اصلاح می کند یا لاقول تشدید نمی کند (سباتینی، ۳، ۲۰۰۶).

«پوتنام» (۲۰۰۱) با اشاره به مطالعات کارکردهای سرمایه اجتماعی بیان می کند: در مناطقی که شاخص سرمایه اجتماعی ارزش بیشتری دارد، نابرابری اقتصادی و اجتماعی کمتر است. «وولکاک» (۲۰۰۱) براین اعتقاد است که جوامعی با ذخیره غنی شبکه های اجتماعی و انجمنهای مدنی برای مقابله با فقر و دیگر آسیبها از موقعیت

- 1- Killpatrick.
- 2 - Knack.
- 3 - Sabatini.
- 4 - Woolcock.



بهتر و برتری برخوردار هستند. «دی فیلیپس ۱» (۲۰۰۱) ساختار سرمایه اجتماعی یک جامعه را یک جزء محوری فعالیتهای ضد فقر مطرح می‌کند و آنرا مبنای عمل سازمان‌دهندگان امور جامعه و مجریان توسعه می‌داند. بانک جهانی تشکیل و انباشت سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک استراتژی اصلی و مهم برای کاهش فقر تشویق می‌کند (اوین ۲، ۲۰۰۲).

در جهت تأیید این اظهارنظرها، مطالعات تجربی چندی صورت گرفته است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود: «گروتیئرت و همکارانش ۳» (۲۰۰۲) مطالعه تجربی را در بورکینافاسو انجام دادند که برطبق آن معلوم شد شبکه‌ها و انجمنهای محلی که جزئی از سرمایه اجتماعی آن کشور محسوب می‌شوند، تأثیر مستقیم مثبتی بر سطح درآمد سرانه و رفاه خانوارهای روستایی آنجا داشته‌اند (فریجترس و بزمز ۴، ۲۰۰۳). «تاو ۵» (۲۰۰۳) در تحقیقی با به‌کارگیری الگوی «پروبیتم ۶» به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی می‌تواند احتمال فقیرماندن یک خانواده فقیر را به میزان ۷/۳۶ درصد و احتمال فقیرشدن یک خانواده ثروتمند را به میزان ۴ درصد کاهش دهد.

«وودبری ۷» (۲۰۰۴) معتقد است شواهد تجربی در غرب نشان می‌دهد که افراد شدیداً مذهبی به کارهای داوطلبانه چندین برابر بیشتر تمایل دارند و پول بیشتری را برای کمکهای غیررسمی به افراد نیازمند می‌پردازند و بیشتر به حمایت از سازمانهای داوطلبانه تمایل دارند. گروه‌های مذهبی همچنین محور تشکیل سازمانهای بشردوستانه، مدارس و بیمارستانها هستند (قابل ذکر است که گرایشهای مذهبی و اخلاقی از جمله مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به حساب می‌آیند. در کشور ایران نیز تشکیلات مربوط به خیرین مدرسه‌ساز با انگیزه‌های معنوی منشأ خدمات بسیاری در مناطق محروم بوده‌اند).

- 1 - De Filippis.
- 2 - Oyen.
- 3 - Grootart.
- 4 - Frijters, Bezemer.
- 5 - Tou.
- 6 - Probit Model.
- 7 - Woodberry.

## ۲-۲. سرمایه اجتماعی و کارایی بازار

سرمایه اجتماعی به سه طریق می‌تواند کارایی بازار را بهبود و کیفیت رقابت در آنرا ارتقاء بخشد. نخست، آنکه سرمایه اجتماعی باعث انتشار بهتر اطلاعات می‌شود و عدم تقارن اطلاعات و نامناسب بودن آنرا تا حد بسیار زیادی برطرف می‌کند. در این زمینه «کولیرا» (۱۹۹۸) معتقد است که سرمایه اجتماعی باعث انتشار اطلاعات مربوط به فناوری مورد استفاده و قیمت‌های منصفانه کالاها و خدمات می‌شود. «سندی و همکارانش» (۲۰۰۱) معتقدند که در جوامعی با ذخیره بالای سرمایه اجتماعی، بنگاه‌ها از مزیت دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد برخوردار هستند و کارگران نیز قادرند اطلاعات پنهان را آشکار سازند. همچنین کالویس و آنجئون (۲۰۰۴) نیز بر این باور هستند که هنجارها و تعاملات اجتماعی، اطلاعات مربوط به ترجیحات افراد و ویژگی‌های بازار تقاضا را در دسترس قرار می‌دهد. در این زمینه «السوانی و سیدنقوی» هم بیان می‌کنند که مزیت اصلی و عمده سرمایه اجتماعی در اختیارگذاشتن اطلاعات زیاد با هزینه پایین و زمان اندک برای بازیگرانی است که نقش اصلی را در سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند.

در تحلیل علت این مسئله، نکته قابل توجه آن است که نخست، وقتی سطح اعتماد (که از جمله مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است) در یک سازمان یا بازار بالا باشد، افراد مطلع اطلاعات در اختیار را به راحتی در اختیار دیگران قرار می‌دهند و تسهیل در گردش اطلاعات عدم تقارن اطلاعاتی را از بین می‌برد.

دوم، اینکه سرمایه اجتماعی از طریق حل مشکلاتی چون «سواری مجانی» و «معمای زندانی» هم به کارایی بازار و بهبود شرایط رقابت کمک می‌کند. کولیر (۱۹۹۸) معتقد است این مشکلات که حاکی از بی‌میلی افراد به عمل جمعی و مشترک یا تعهد اجتماعی است از طریق سرمایه اجتماعی بدین صورت حل می‌شود که ابزار نظارت اجتماعی و همچنین ابزارهای تنبیهی چون تحریم برای مقابله با اقدامات فرصت‌طلبانه توسط سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود و ضمانت اجرایی لازم را علیه

کسانی که هنجارهای پذیرفته شده را زیرپا می گذارند ایجاد می کند. در این زمینه «کوت ۱» (۲۰۰۱) هم بر این اعتقاد است که هنجارهای عمل مشترک و شبکه ها به افراد کمک می کند تا نسبت به قبول تعهد و التزام عملی افراد دیگر به هنجارهای رفتار جمعی اطمینان حاصل کنند و خودشان هم عمل جمعی مشترک و تعهد اجتماعی را بپذیرند.

یکی از مواردی که می تواند از این سازوکار بهره بگیرد آن است که ابزارهای نظارت اجتماعی هزینه های ایجاد آثار خارجی منفی زیست محیطی را افزایش می دهد و موجب کاهش ایجاد آنها نیز می شود زیرا عملی که با هنجارهای زیست محیطی پذیرفته شده جامعه منافات دارد، عکس العمل اجتماعی را علیه عامل آن عمل برمی انگیزد و هزینه های شخصی ارتکاب آن را بالا می برد و لذا انجام این گونه اعمال در سطح کلان کاهش می یابد.

سوم، اینکه براساس نظر فوکویاما (۱۹۹۵) شرکتهای خصوصی بزرگ به سطح بالای اعتماد اجتماعی وابسته هستند و در کشورهایی که چنین اعتمادی وجود ندارد، این گونه شرکتهای با احتمال کمی ایجاد می شوند و لذا بازار به نوعی با شکست مواجه می شود و بنابراین دولت باید این خلأ را پر کند. اما نخیله سرمایه اجتماعی از این شکست جلوگیری خواهد نمود.

### ۳-۲. سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی

بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که رشد اقتصادی با سطح سرمایه اجتماعی ارتباط مستقیم دارد؛ یعنی هر اندازه که سرمایه اجتماعی یک جامعه از سطح بالاتری برخوردار باشد، آن جامعه از رشد اقتصادی بالاتری هم برخوردار خواهد بود. «رودریک ۲» (۱۹۹۹) و «ایسترلی ۳» (۲۰۰۰) دلالتها و شواهدی قوی در حمایت از این ایده ارائه می دهند که رشد اقتصادی محصول نهادهای منسجم است و کشورهای دارای اجتماعات غیرمنسجم، هنگام وقوع یک شوک اقتصادی، برای ایجاد تزلزل در

رشد اقتصادی باثبات و پایدار مستعد هستند؛ زیرا این‌گونه کشورها تمایلی به ایجاد تعدیلات ضروری ندارند.

در همین ارتباط تحقیقات تجربی «رایزرا» (۱۹۹۷)، «روز» (۱۹۹۹)، «مارش» (۲۰۰۰) و «ایوانز» (۲۰۰۳) نیز بحث سرمایه اجتماعی را به‌طور گسترده‌ای برای تأخیر رشدی که در کشورهای کمونیستی سابق وجود داشته است، مورد استفاده قرار می‌دهد. «کولیر و گیونینگ» (۱۹۹۹) هم در تحلیلی در مورد رشد آهسته کشورهای آفریقایی نشان می‌دهند که رشد آهسته در جوامعی اتفاق می‌افتد که از سطح بالای تفکیک نژادی و حقوق سیاسی ضعیف برخوردار هستند. ایسترلی (۲۰۰۰) نیز گزارش می‌کند که جوامعی که قادرند یک اتفاق آراء همگانی در حد متوسط را به‌وجود آورند و اثبات کنند، با احتمال بیشتری می‌توانند یک نرخ رشد مثبت پایدار را داشته باشند. در این زمینه ولکاک (۲۰۰۰) نیز معتقد است سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی، حاکمیت قانون و آزادی مدنی به‌طور مثبت با رشد اقتصادی در ارتباط است. تاو (۲۰۰۳) هم در تحقیق تجربی دیگری علت افزایش رشد اقتصادی مناطق دارای سرمایه اجتماعی بالا را این‌طور بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی با کاهش نااطمینانی‌های بنگاه‌ها نسبت به درآمدهای آتی، باعث تقویت ظرفیت تولید آنها می‌شود. همچنین شبکه‌های اجتماعی از طریق فراهم کردن کارآفرینانی که از جهان تجارت و به‌خصوص از تکنولوژی‌ها و بازارها اطلاع دارند، بر کارآیی بنگاه‌ها می‌افزایند و باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شوند.

«اسمالدرس و...» (۲۰۰۴) برای مدنظر قراردادن ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی الگوی زیر را ارائه کرده‌اند. در این الگو تابع مطلوبیت فردی عبارت است از:

- 1 - Raiser.
- 2 - Rose.
- 3 - Marsh.
- 4 - Evans.
- 5 - Gunning.
- 6 - Easterly.
- 7 - Smalders, Beugelsdijk.

$$u = U(c, s); \quad U_c, U_s > 0$$

که  $c$  کالاهای مصرفی و  $s$  تعاملات اجتماعی است و به معنای مشارکت در شبکه‌های اجتماعی می‌باشد و لذا از سطوح بالاتر مشارکت در این شبکه‌ها می‌توان سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی را نتیجه گرفت.

در این الگو دو نوع تعامل وجود دارد: یکی تعامل با دوستان نزدیک و خانواده که شبکه  $f$  نامیده می‌شود و دیگری شبکه‌هایی که شامل تعامل با افرادی در گروه‌ها یا طبقات اجتماعی دورتر مانند تعامل با افراد درون باشگاه‌ها و... که شبکه  $v$  نامیده می‌شود.

مصرف‌کننده زمان  $n$  را برای کارکردن و کسب درآمد و برای ایجاد تعاملات اجتماعی باید به صورت بهینه بین این دو جزء تخصیص دهد. درآمد او هم شامل دو جزء است: یکی درآمد حاصل از کارکردن با نرخ دستمزد  $w$  و دیگری درآمدهای انتقالی دیگر که با  $x$  نشان داده می‌شود بنابراین  $c = (n - f - v)w + x$ .

بنابراین بین مصرف و تعاملات اجتماعی یک مبادله وجود دارد. بنابراین از این جهت سرمایه اجتماعی بر درآمد و مصرف و به‌طور کلی بر اقتصاد تأثیر منفی دارد؛ اما چنانچه تعامل با دیگران باعث جلب منفعت و درآمد شود، سرمایه اجتماعی از این جهت دارای اثر مثبت بر اقتصاد است. به‌عنوان مثال سرمایه اجتماعی  $v$  از فعالیت‌های مرتبط با بهره مالکانه جلوگیری می‌کند و از این‌رو در شبکه‌های اجتماعی متراکم‌تر رانت‌خواران کمتر هستند. بنابراین افراد درون این شبکه‌ها وقت کمتری را صرف یافتن و انجام فعالیت‌های رانت‌جویانه می‌کنند و لذا وقت بیشتری را به تولید اختصاص می‌دهند.

به‌عنوان یک مثال کمی در این ارتباط کناک و کیفی در تحقیقی نشان داده‌اند که افزایش سطح اعتماد در کشور (به‌عنوان شاخصی از سرمایه اجتماعی) به‌میزان یک انحراف معیار، رشد اقتصادی را به‌میزان بیش از یک‌ونیم انحراف معیار افزایش می‌دهد. برطبق گزارش «آلدریج و...» (۲۰۰۲) تحقیقی در مورد ارتباط بین سرمایه

اجتماعی مناطق مختلف بریتانیا که با شاخصهای اعتماد اجتماعی و انجمنهای مدنی مورد سنجش قرار گرفته بود، صورت گرفت و عملکرد اقتصادی این مناطق با شاخصهایی چون GDP سرانه، بهره‌وری بخش تولید، خدمات و نرخ بیکاری سنجیده شد. در طی یک دوره شامل سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ میلادی ضریب همبستگی بین اعتماد اجتماعی و شاخص اقتصادی ۰/۷ و ضریب همبستگی بین انجمنهای مدنی و شاخص اقتصادی ۰/۶۴ محاسبه و در نهایت این‌طور نتیجه‌گیری شد که بهترین مناطق به لحاظ عملکرد اقتصادی و رشد، بالاترین سطوح سرمایه اجتماعی را دارا هستند.

در مجموع از این مطالعات نظری و عملی می‌توان درسهایی را جهت نیل به رشد اقتصادی بالاتر در ایران آموخت. بدین ترتیب که تلاش جهت ایجاد انواع نهادهای منسجم، استیفای حقوق سیاسی، حاکمیت قانون و تحقق آزادی مدنی هم در کنار عوامل اقتصادی به افزایش رشد اقتصادی کمک می‌کند.

#### **۴-۲. سرمایه اجتماعی و کاهش هزینه‌ها**

سرمایه اجتماعی به چند طریق سبب کاهش هزینه‌های شخصی و اجتماعی می‌شود. نخست اینکه شبکه‌های اجتماعی جریان اطلاعات را بین فروشندگان و خریداران فردی تسهیل می‌کند و باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی می‌شود (آلدریج ۲۰۰۲). کالویس (۲۰۰۴) هم در این زمینه معتقد است که سرمایه اجتماعی باعث گردآوری و انتشار بهتر اطلاعات می‌شود و بنابراین عدم تقارن اطلاعات و نامناسب بودن آنها از بین می‌رود که این امر سبب کاهش ریسک و نااطمینانی می‌شود و هزینه‌های کنترل ریسک را کاهش می‌دهد.

دوم اینکه شبکه‌ها و هنجارهای عمل مشترک به ایجاد اعتماد بین بنگاه‌ها می‌انجامد و نیاز به تنظیم قراردادهای قانونی گران‌قیمت را کاهش می‌دهد و لذا هزینه‌های معاملاتی از این جهت نیز کاهش می‌یابد (آلدریج ۲۰۰۲). در این ارتباط «گلاوف» (۲۰۰۳) بیان می‌کند که هنجارها که معیارهای حسن شهرت افراد هستند، سبب

می‌شوند عوامل اقتصادی از معامله با کسانی که حسن شهرت خود را از دست می‌دهند اجتناب و به افراد دارای حسن شهرت اعتماد کنند و این حسن شهرت و اعتماد معاملات پیچیده و پرخطر را در حوزه‌های وسیعی چون مبادله محصولات با ویژگی‌های کیفی ناشناخته تسهیل می‌کند و از این‌رو هزینه‌های معاملاتی و هزینه‌های دوری از ریسک را کاهش می‌دهد. کالویس (۲۰۰۴) هم در این زمینه معتقد است تعاملات اجتماعی باعث ایجاد شناخت در مورد رفتار دیگران می‌شود که این امر خطر رفتارهای فرصت‌طلبانه را کاهش و از هزینه‌ها می‌کاهد.

سوم اینکه سرمایه اجتماعی باعث کاهش هزینه‌های عمومی هم می‌شود. در تأیید تجربی این فرضیه، بنا به گزارش گلیسر (۲۰۰۱) در تحقیق جمعی از محققان مشخص شد چنانچه سطح اعتماد به میزان یک انحراف معیار افزایش یابد، کارآیی قضایی به میزان ۰/۷ انحراف معیار افزایش و فساد دولتی به میزان ۰/۳ انحراف معیار کاهش می‌یابد. بنابراین منابع بودجه‌ای کمتری صرف هزینه‌های نظارتی و قضایی می‌شود و هزینه‌های سیستم قانونی، قضایی و نظارتی کاهش می‌یابد.

## ۲-۵. سرمایه اجتماعی و افزایش کارآیی سایر سرمایه‌ها

یکی از کارکردهای دیگر سرمایه اجتماعی که موجب ارتقای سطح کیفی و کمی اقتصاد می‌شود این است که باعث کارآتر شدن انواع دیگر سرمایه به‌خصوص سرمایه انسانی می‌شود. در این زمینه کلمن (۱۹۹۰) بیان می‌کند که ارتباطات بین افراد، هنجارها و اعتماد به تسهیل همکاری و هماهنگی کمک می‌کنند و باعث تقویت بهره‌وری عوامل تولید می‌شوند. کیلیپاتریک (۲۰۰۲) هم معتقد است که سرمایه انسانی وقتی در ارتباط با سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد بسیار کارآمدتر عمل می‌کند. آلدريج (۲۰۰۲) در مورد افزایش بهره‌وری نیروی کار به سبب وجود سرمایه اجتماعی بیان می‌کند که درون بنگاه‌ها، شبکه‌ها و هنجارها، عمل مشترک کار تیمی را تسهیل و مشکلات میان کارگر و کارفرما را از بین می‌برد یا کاهش می‌دهد و لذا کارایی نیروی انسانی افزایش می‌یابد. گلاوف (۲۰۰۳) در مورد عوامل مؤثر بر کارآیی یک فرآیند تولید بر این عقیده است که شمول یک بنگاه موفق بیشتر از صرفاً ترکیب کردن

نهادهای با کیفیت بالا است و روشی که افراد درون یک بنگاه با یکدیگر همکاری می‌کنند، کارآیی فرآیند تولید و موفقیت یک محصول در بازار را تعیین می‌کند.

«دوئرینگر<sup>۱</sup>» (۲۰۰۳) تفاوت میان صنایع بومی درون آمریکا و صنایع ژاپنی موجود در این کشور را بررسی نمود و نتیجه گرفت که مهمترین اختلاف میان آن دو که باعث عملکرد بهتر صنایع ژاپنی می‌شود، تمایل آنها به سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی می‌باشد. سرمایه اجتماعی که در اینجا مدنظر می‌باشد، فرهنگ کاری موجود در محل کار است که باعث تقویت هنجارهای اجتماعی همکاری کارکنان و التزام به اهداف بنگاه می‌شود و یک مسؤلیت جمعی را به منظور حصول به تولید با کیفیت و کارآ در بین کارکنان توسعه می‌دهد.

با توجه به بحثهای فوق می‌توان نتیجه گرفت که وجود منابع غنی سرمایه‌های انسانی و مادی جهت نیل به رشد و توسعه لازم است اما کافی نیست و آنچه که افزون بر اینها ضروری است وجود سرمایه اجتماعی است که تعامل بین عوامل و نیروهای انسانی را تسهیل نماید.

به عبارت دیگر به خصوص در مورد سرمایه انسانی، تا سرمایه اجتماعی به میزان کافی در یک جامعه وجود نداشته باشد، این نیروهای انسانی ماهر نمی‌توانند به طور کارآمدی با یکدیگر تعامل و همکاری داشته باشند و از این رو شاید تفاوت میان نیروی انسانی باهوش و خلاق اما کم فروغ ایرانی و نیروی انسانی ژاپنی که به لحاظ بهره هوشی به طور متوسط از ایرانی‌ها پایین‌تر است؛ اما در عرصه‌های مختلف بسیار موفق جلوه می‌کند در همین مسئله باشد.

## ۶-۲. ایجاد نهادها و سازمانهای اقتصادی و عملکرد آنها

ایجاد نهادها و سازمانهای بزرگ اقتصادی به سرمایه اجتماعی نیاز دارد و به خاطر همین فوکویاما (۲۰۰۲) معتقد است که بسیاری از کشورها قادر به تأسیس یک آژانس دولتی مانند وزارت تجارت بین‌المللی و صنعت ژاپن و یا اداره برنامه‌ریزی کره نیستند؛ زیرا افراد جوامعی که به همکاری و کارکردن با یکدیگر در سازمانهای بزرگ خو گرفته‌اند، احتمال بیشتری دارد که نهادهای کارآ و قوی تشکیل دهند. وی همچنین



اعتقاد دارد که کیفیت عملکرد نهادها و سازمانهای اقتصادی هم به سطح سرمایه اجتماعی موجود در جامعه بستگی دارد و بر همین اساس استدلال می‌شود که نرخهای رشد بالاتر کشورهای آسیای شرقی در دهه‌های گذشته نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه جهان به دلیل نوع سیاستهای اقتصادی اتخاذ شده‌ای چون محوریت بازار نبوده؛ بلکه به دلیل کیفیت نهادهایشان بوده و از این رو سازمانها و نهادهای مشابه در جوامع متفاوت اغلب آثار متفاوتی را برجای می‌گذارند. در همین ارتباط «گوزی و...» (۲۰۰۳) هم از همبستگی قابل توجهی که بین سطح اعتماد موجود در یک کشور و وجود سازمانهای بزرگ وجود دارد گزارش می‌کنند.

## ۷-۲. توسعه بازارهای مالی و افزایش سرمایه‌گذاری

قراردادهای مالی مبتنی بر اعتماد هستند. در این زمینه گوئیزو (۲۰۰۳) معتقد است که سرمایه اجتماعی در شکل «اعتماد» آثار بسیار مهمی را بر توسعه بازارهای مالی دارد؛ زیرا یک قرارداد مالی برای بازپرداخت آتی اصل و بهره پولی که الآن قرض داده می‌شود، به میزان اعتماد تأمین‌کننده مالی به تأمین مالی‌شونده بستگی دارد. تاو (۲۰۰۳) هم بر این اعتقاد است که سرمایه اجتماعی دسترسی به اعتبار را برای اعضا فراهم می‌آورد.

به‌عنوان تاییدی بر این نظریه گوئیزو (۲۰۰۳) بیان می‌کند که در برخی از نواحی ایتالیا که سطح سرمایه اجتماعی بالا بوده است، خانوارها به‌صورت نقدی کمتر معامله می‌کردند و سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر به‌صورت سهام بوده است و افراد بیشتر مایل به استفاده از چک بودند و دسترسی بالایی به اعتبارات نهادی داشتند.

در همین ارتباط «ناولس» (۲۰۰۵) از تحقیق تجربی «کناک و کفر» (۱۹۹۷) گزارش می‌دهد که برطبق آن، متوسط نرخ سرمایه‌گذاری در بین کشورها با معیارهای اعتماد و مدنیت ارتباط مستقیم دارد و بنابراین سطوح بالای سرمایه اجتماعی، نرخهای بالای انباشت سرمایه فیزیکی را به ارمغان می‌آورد. شایان توجه است که به‌دلیل نااطمینانی‌های موجود در ایران و عدم وجود اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی در ایران، کشور با عدم توانایی جذب سرمایه‌های خارجی مواجه است.

## ۸-۲. سرمایه اجتماعی و اشتغال

سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری که فرصتهای دسترسی به شغل را ارتقا می بخشد، مطرح است. در این زمینه آلدریج (۲۰۰۲) معتقد است که شبکه‌ها و تماسهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، سازوکارهایی را فراهم می آورد که هزینه‌های جستجوی شغل را کاهش و جستجو را تسهیل می کند و بنابراین طول دوره بیکاری کوتاه می شود و گواه این ادعا آن است که بسیاری از بیکاران از طریق دوستان و تماسهای شخصی شغل پیدا می کنند. تاو (۲۰۰۳) نیز بر این عقیده است که سرمایه اجتماعی اشتغال را به همراه دارد؛ زیرا افرادی که به بازار کار رسمی دسترسی ندارند و گزینه‌های انتخابشان در بازار غیررسمی غیر جذاب است، اغلب می توانند از عضویت در گروه‌ها برای یافتن شغل مناسب سود ببرند.

## ۹-۲. افزایش معاملات

در جوامعی با سطح بالای سرمایه اجتماعی، معاملات بین گروه‌ها و شبکه‌ها فراوان دیده می شود. در جوامع با سطح اعتماد پایین، تمایل به معاملات درون گروهی بیشتر است و روابط اقتصادی برون گروهی کمتر اتفاق می افتد؛ زیرا پشتوانه این روابط اعتماد است که در آن جوامع کمتر یافت می شود (تاو، ۲۰۰۳ و گلاوف، ۲۰۰۳).

## ۱۰-۲. سرمایه اجتماعی و افزایش نوآوری و ارتقای فنآوری

آلدریج و... (۲۰۰۲) معتقدند که سرمایه اجتماعی سبب افزایش نوآوری‌ها و فنآوری می شود. در مورد علت این مسئله فریجترس (۲۰۰۳) بیان می کند که به عنوان مثال سطح بالای اعتماد در جامعه ارتباطات را تسهیل می کند که این امر برای ارتقای فنآوری ضروری است. «ناولس ۱» (۲۰۰۵) هم در این ارتباط معتقد است سرمایه اجتماعی از طریق افزایش دادن سطح و عمق مناسبات و همکاری‌های مشترک به ایجاد نوآوری‌های بیشتر می انجامد و باعث حرکت سریع تر جامعه به سمت توسعه می شود.

#### ۴. نتیجه گیری

در سالهای اخیر در مورد ارتباط سرمایه اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی و نقش بارز آن در تحقق توسعه کشورهای توسعه یافته و در دستیابی کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به توسعه اقتصادی مباحث بسیاری مطرح شده است. در این مقاله در مورد سرمایه اجتماعی (و سرمایه معنوی و مذهبی) مباحثی مطرح و ضمن تبیین مفهوم آنها بیان شد که سرمایه معنوی و مذهبی نوعی سرمایه اجتماعی است که در گذشته توجه چندانی به آنها نشده، اما به تازگی در کانون توجهات صاحب نظران قرار گرفته اند و با توجه به عملکرد مثبت و اهمیت فوق العاده آنها در حل مسائل اقتصادی، از آنها به عنوان یک نوع سرمایه جدا و منفک از سرمایه اجتماعی یاد می شود اما در حقیقت سرمایه معنوی و مذهبی یکی از مؤلفه های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی هستند.

سپس در مورد سازوکارهای تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی بحث و نتیجه گرفته شد که سرمایه اجتماعی از طریق کاهش نابرابری و فقر، افزایش کارآیی بازار، رشد اقتصادی، کاهش هزینه ها، افزایش کارآیی سایر سرمایه ها، ایجاد نهادها و سازمانهای اقتصادی و بهبود عملکرد آنها، توسعه بازارهای مالی و افزایش سرمایه گذاری، افزایش اشتغال، افزایش معاملات و نیز افزایش نوآوری و فن آوری بر عملکرد اقتصاد تأثیر می گذارد.

از مباحث مطرح شده می توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی (و معنوی و مذهبی) نقش قابل ملاحظه ای در رشد و توسعه اقتصادی کشورها ایفا می کند و از این رو برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی، کشورها باید در کنار توجه به انباشت سرمایه های انسانی، فیزیکی و طبیعی، ایجاد و انباشت سرمایه های اجتماعی، معنوی و مذهبی را نیز مورد عنایت جدی قرار دهند؛ زیرا در غیر این صورت به سطح بالقوه رشد و توسعه اقتصادی مطلوب دست نخواهند یافت.

## منابع و مأخذ

۱. الوانی، سیدمهدی؛ میرعلی، سیدنقوی، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
۲. اموری، تاکاشی؛ توکل‌نیا، محمدرضا «اثرات اقتصادی سرمایه اجتماعی»، فصلنامه اندیشه صادق، شماره ۱۱ و ۱۲.
۳. بیکر، واین (۱۳۸۲)، مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه: الوانی و ربیعی، سازمان مدیریت صنعتی.
۴. رنالی، محسن، «مصاحبه»، فصلنامه اندیشه صادق، ۱۱ و ۱۲.
۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهری، نشر نویسندگان.
6. Aldrige, Stephen & Halpern. David & Filzkpatrick, Sarch (2002), "Social Capital", A Discussion Paper, Performance & Innovation Unit
7. Berger, Peter, & Hefner, Robert W. (andated), *Spiritual Capital in Comparative Perpective*, Boston University.
8. Coleman, James (1990), *Foundation of Social Theory*, Harvard University Press.
9. Callois, J.M. & Angeron, V. (2004), "On the Role of Socail Capital on Local Economic Development", AES Coference.
10. Chopra, Kanchan (2001), *Soctiol Capital & Sustainable Development, The Role of Formal & Informal Institutions in A Developing Country*, University Enclave & Institute of Economic Growth.
11. Collier, Paul (1998), "Social Capital & Poverty, Social Capital Initiative", Working Paper No. 4.
12. Collier, P., and J.W. Gunning(1999), "Explaining African Economic Performance", *Journal of Economic Literature*, 37(1) March: 64-111.
13. Cote, Sylvian (2001), "The Contribution of Human and Social Capital", *www.isuma.net*.
14. De Fillipis, James (2001), "The Myth of Social Capital in Community Development", *Housing Policy Debute*, vol: 12, Issue4.
15. Doeringer, Peter (2003), *Human Capital, Social Capital and Industrial Performance*, Boston University.
16. Fikne, Roger (2003), *Spiritual Capital Definitions Applications and new Frontiers*, Penn State Univ.
17. Frijters, Paul, & Bezemer, Dirk J. (2003), " Contacts Social Capital & Market Institutions", *www.economics.adeluide.edu.au*.
18. Fukuyama, F. (1995), *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, New York: Free Press.
19. Fukuyama, Francis (2002) , *Social Capital and Developments, The Coming Agenda*, SAIS Review.
20. Gelauff, George (2003), *Social Capital an Indispensible Asset in the Knowledge, Based Economy*, Univ. of Tilburg.

21. Glaesery, Edward (2001), *The Formation of Social Capital*, Harvard Univ. & NBER.
22. Gusie, Luigi & Sapienza, Paolo & Zigales, Luig, (2003), "The Role of Social Capital in Financial Development", [www.kellogg.nerthwestern.edu](http://www.kellogg.nerthwestern.edu) .
23. Iyanaccone, Laurence & Click, Janathon (2003), *Spiritual Capital: An Introduction & Literature Review*, American Enterprise Institute
24. Knack, S., and Keefer, P. (1997), "Does social capital have an economic pay-off? A cross country investigation", *Quarterly Journal of Economics*, 112, 4:1251-1288.
25. Killpatrick, Sue (2002), *Learning & Building Social Capital in a Community of Family Farm Business*, University of Tasmania.
26. Knowles, Stephen(2005), "The Future of Social Capital in Development of Economic Research", *WIDER Jubilee Conference*.
27. Malloch, Theodore Roosevelt(2003), *Social, Human and Spiritual Capital inEconomic Development*, *Templeton Foundation, Working Group of the Spiritual Capital Project*, Harvard University.
28. Narayan, Deepa; Pritchett, Lant;(1997), "Cents and sociability: household income and social capital in rural Tanzania", Volume 1- <http://econ.worldbank.org>.
29. Putnam, R.D. (1993), "The prosperous community: Social capital and public life", *American Prospect*, 13, 35-42.
30. Putnam, Robert(2001), "Social Capital Measurement and Consequences", *ISUMA*, vol:2, No: 1, [www.isuma.net](http://www.isuma.net).
31. Rodrik, D. (1999b), "Where Did All the Growth Go? External Shocks, Social Conflicts, and Growth Collapses", *Journal of Economic Growth*4(4): 385-412.
32. Sabatini, Fabio (2006), *The Empirics of Social Capital and Economic Development, A Critical Perspective*, *NOTA DI LAVORO*.
33. Smulders, Sjak & Beugelsdijk, Sjoerd (2004), *Social Capital & Economic Growth*, Tilburg Univ.
34. Tou, L.M. (2003), *Investing in Social Capital to Stimulate Economic Growth and Trade in Africa*, Biennial Conference of the Economic Society of South Africa.
35. Voas D & Crockett A (2005), "Religion in Britain: Neither believing nor belonging", *Sociology* 39(1): 11-28.
36. Woodbery, Robert D.(2004), "Researching Spiritual Capital: Promises and Pitfalls", [www.metaneaus.net/spiritual.capital](http://www.metaneaus.net/spiritual.capital).
37. Woolcock, M. (2000), "Managing Risk and Opportunity in Developing Countries: The Role of Social Capital", In *Gustav Ranis*(ed), *The Dimensions of Development*, 197-212. Yale: Center for International and Area Studies.
38. World bank, "What is Social Capital" <http://web.worldbank.org>.